

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

کارگران و زحمتکشان ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران، با گرم ترین درود های رزمجویانه، اول ماه مه، روز همبستگی جهانی توده های کار و زحمت را به شما شادباش می گوید. کارگران در سراسر جهان و در شرایط متفاوت کار و بیکاری، مراسم بزرگداشت اول ماه مه را به فرصتی برای تجدید عهد با ادامه مبارزه برای برپا ساختن نظامی عادلانه در جهان و برضد سلطه و استثمار سرمایه داری جهانی تبدیل می کنند. اول ماه مه، همچنین روز تجدید عهد و بزرگداشت نبردی است که ۱۱۳ سال پیش با اعتصاب کارگران شیکاگو برای کاهش زمان کار روزانه به ۸ ساعت در روز آغاز گردید، و به دست عمال سرمایه داری به خاک و خون کشیده شد. جنبش جهانی طبقه کارگر دوران پر فراز و نشیبی را که شاهد پیروزی های بزرگ و ناکامی های دردناک بوده است، پشت سر گذاشته، و با وجود مصایب فراوان، قربانی ها و فداکاری های کم نظیر، و با وجود آنکه در سال های انتهایی هزاره دوم میلادی با تشدید فشار سرمایه جهانی روبه روست، همچنان به نبرد خود ادامه می دهد. بیکار کار با سرمایه، مبارزه طبقاتی بین طبقات استثمار شونده و استثمار کننده نه تنها در پی عقب گرد های سال های اخیر، از جمله فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و اتحاد شوروی به عنوان نخستین حکومت کارگری جهان پایان نیافته است، بلکه با شدت و در ابعاد گسترده تری ادامه دارد.

تجربه زندگی و بیکاری کارگران در سده اخیر، و پیش از آن نیز، آشکارا نشان می دهد که سرمایه داری جهانی، نظامی است غیر انسانی که تنها بر اساس بهره کشی وحشیانه انسان از انسان و خصوصاً استثمار طبقه کارگر و زحمتکشان، پدید آمده است. بلکه همه مصایبی که امروز جامعه بشری با آن دست به گریبان است، از

جمله فقر، محرومیت و گرسنگی بیش از نصد میلیون نفر از مردم جهان، عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی ده ها کشور، بیکاری ده ها میلیون نفر، از اروپای پیشرفته تا عقب مانده ترین کشورهای آسیایی، و بی حقوقی بخش عظیمی از مردم جهان که در چنگال حکومت های استبدادی اسیرند، از جمله مردم میهن ما، همه نتیجه مستقیم نظام جهانی سرمایه داری است که جهان در آستانه هزاره سوم را با چنین دشواری های عظیمی روبه رو کرده است. برخلاف ادعاهای برخی نظریه پردازان که، سرمایه داری را پایان تحول جامعه بشری اعلام می کنند و مدعی اند هیچ نظام جانشینی در مقابل سرمایه داری وجود ندارد، تجربه سده اخیر و خصوصاً برایی نخستین حکومت کارگری جهان، یعنی حکومت متکی بر اراده توده های عظیم کار و زحمت، نشان داد که سرنوشت بشریت مختم به سرمایه داری نیست، و بر پایه همین تجربیات، ناکامی ها و نوشته های اندوخته شده در جریان یکصد ساله است که جنبش جهانی طبقه کارگر و زحمتکشان، با خوشبینی به آینده می نگرد، و مصمم است تا برپایی نظامی عادلانه و انسانی، نظامی که اساس آن تأمین خواست های و نیازهای اولیه بشریت باشد، به نبرد خود ادامه دهد.

کارگران و زحمتکشان میهن ما نیز، دهه ها است که همگام با کارگران و زحمتکشان جهان، روز اول ماه مه را به عنوان روز جهانی کارگر گرامی می دارند، و برای آزادی میهن از چنگال رژیم های استبدادی سرمایه داری می رزمند. از فروردین ماه ۱۲۸۶، که نخستین اعتصاب بزرگ کارگری به

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۵۶، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۷ اردیبهشت ۱۳۷۸

کالبد شکافی یک حرکت

یورش گسترده نیروهای ارتجاعی، مدافعان تاریک اندیشی، طرفداران تبدیل ایران به افغانستان، اسیر در چنگال طالبان، وارد مرحله بعدی خود شد. حمله ئی که با سخنان یزدی در نخستین نماز جمعه سال ۷۸، با تهدید دگراندیشان، نویسندگان و روشنفکران آغاز شد، در هفته های اخیر دکتر کدیور را به دلیل بیان نظراتش، در دادگاه ویژه و غیر قانونی روحانیت به ۱۸ ماه زندان محکوم کرد، روزنامه زن را بست، حکم به تعویق افتاده زندانی کردن کرباسچی را تأیید و فرمان استیضاح مهاجرانی در مجلس را صادر کرد. «پروژه محرم» برای سرکوب جنبش و خصوصاً بستن دهان ها و شکستن قلم های مخالف و احیاناً حذف فیزیکی کسانی است که حاضر نیستند در حد «ذوب در ولایت» پیش بروند، مرحله به مرحله به مورد اجراء گذاشته می شود. ارتجاع دریافته است که جنبش جوشان و خروشان مردمی اگر امروز سرکوب نشود فردا دیر است. سپاه پاسداران، به بهانه مقابله با «تهاجم ضد انقلاب» و در پی ترور صیاد شیرازی، در حالت آماده باش قرار گرفته و برای آماده کردن زمینه سرکوب، آتش سنگین تبلیغاتی چماق داران مطبوعاتی ارتجاع

ادامه در صفحه ۶

گزارشی و سینه از لایر ایران

ریشه یابی برخوردها و تضادها در درون نیروهای مذهبی

شد، ولی جایگاه او در جامعه و در حوزه های علمیه تثبیت شد، زیرا این حمله و تهدیدهایی از این نوع نسبت به سایر مراجع و از جمله سانسور رساله های آیت الله بهجت و آذری قمی و سایرین توسط وزارت اطلاعات، بخش مهمی از مراجع را به این نظر رسانده است که هیچ گاه مرجعیت روحانیت تا

ادامه در صفحه ۳

در این شماره

- بهران مسکن در ایران در ص ۲
- تحصن دانشجویی در ص ۲
- دستگیری گروه «مهدویون» در ص ۲
- زندگی و آموزش لنین در ص ۵
- تحریم عراق یک فاجعه انسانی در ص ۸

با تشدید مبارزه بر ضد ادامه استبداد و رژیم «ولایت فقیه»، بحران نظری - سیاسی، طیف وسیع نیروهای مذهبی با پایگاه های طبقاتی متفاوت را در بر گرفته است که توجه به آن برای درک اوضاع کنونی کشور و ریشه یابی برخوردهای درون و بیرون حاکمیت جمهوری اسلامی ضروری است. در پاسخ به این نیاز توجه خوانندگان را به خلاصه ئی از رزیابی که توسط رفقای حزبی در ایران تهیه شده است، جلب می کنیم.

«در آرایش نیروهای سیاسی جامعه و تناسب نیروها در این دو سال گذشته و به ویژه در ماه های اخیر، تغییرات مهمی رخ داده است که نیازمند بررسی دقیق و هوشیارانه است. روحیات دوری جستن از مبارزه و تشکیلات گریزی، رفته رفته جای خود را به مقاومت های متشکل می دهد و اعتراض ها هر روز ابعاد وسیع تر و توده ای به خود می گیرد. با توجه به این موضوع، بررسی وضعیت نیروهای سیاسی حاضر حاضر اهمیت است که در اینجا مختصراً به آن اشاره ئی می کنیم: پس از حمله به منزل آیت الله منتظری و آن مسایلی که ایجاد کردند، اگرچه هواداران و تشکیلات او متحمل ضرباتی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

بحران مسکن در ایران

مشکل مسکن، یکی از عمده ترین معضلات است که بخش بزرگی از زحمتکشان جامعه ما با آن دست به گریبان اند، معضلی که حل آن به تدابیر و اقدام های پایه ای و اصولی نیاز دارد. اوج بحران مسکن را می توان بوضوح در آمار منتشر شده رسمی رژیم مشاهده کرد. وزیر مسکن و شهرسازی، در اردیبهشت ماه سال ۷۷ اعلام کرد که حدود ۱/۵ میلیون متقاضی مسکن در کشور وجود دارد. این وزارت خانه سپس در اواسط سال ۷۷ اعلام کرد که وزارت مسکن برای اسکان ۳/۵ میلیون نفر از هم وطنان در شهرهای جدید برنامه ساختمان ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار واحد مسکونی را با هزینه ۳ میلیارد تومان پیش بینی کرده است. در پایان سال ۷۷ روشن شد که به دلیل بحران عمیق اقتصادی رژیم و کاهش شدید درآمد نفتی، دولت با کسری بودجه سنگینی که برخی از کارشناسان اقتصادی آن را تا حدود ۴۰ درصد کل بودجه ارزیابی کرده اند، روبه رو است و بنابراین بخش مهمی از برنامه های عمرانی در کوتاه مدت غیر قابل اجراست. به این ترتیب روشن است که ۱/۵ میلیون متقاضی مسکن همچنان متقاضی باقی خواهند ماند و آن ۳/۵ میلیون دیگر نیز در کوتاه مدت چشم اندازی برای اسکان یافتن ندارند. مشکل مسکن در مین ما تنها به کمبود واحدهای مسکونی محدود نمی شود. روزنامه «رسالت» در گزارشی در رابطه با مسکن می نویسد: «میانگین اجاره بهای یک آپارتمان ۱۰۰ متری در اردیبهشت ماه ۷۷ در مناطق میرداماد و نیاوران تهران ماهیانه ۱۳۰ هزار تومان و در نازی آباد و جاده ساه (جنوب شهر) به ترتیب ۴۵ هزار و ۵۰ هزار تومان بوده است... پس از تهران به ترتیب شهرهای رشت، قزوین، کرج، شیراز، تبریز، اهواز، اصفهان و مشهد قرار داشته اند که میانگین اجاره ماهیانه ۱۰۰ مترمربع مسکن در آنها بین ۳۹۲۰۰ تا ۲۸۹۰۰ تومان بوده است» (رسالت، ۲۳ اردیبهشت ۷۷).

اجاره بها و دیگر هزینه های مربوط به مسکن، مانند دیگر هزینه های زندگی در کشورمان، افزایش سرسام آوری داشته و این در حالی ست که تغییرات محسوسی در درآمد زحمتکشان دیده نمی شود. شرایط به گونه ای است که بخش عمده درآمد حقوق بگیران صرف پرداخت اجاره خانه می شود و برای دیگر مخارج زندگی مبلغی باقی نمی ماند. هزینه سرسام آور مسکن از جمله علل عمده ای است که

برای وی تشکیل نشده است.»

دستگیری گروه «مهدویون»

بر اساس گزارش روزنامه همشهری، یکشنبه پنجم اردیبهشت، گروهی به نام «مهدویون» که «دارای تفکر انحرافی و خطرناکی بوده اند»، در ترور رازینی نیز دست داشته اند، شناسایی و دستگیر شده اند.

همشهری که این گزارش را به نقل از محمد علی جعفری، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران منتشر کرده، در باره برنامه و افراد این گروه می نویسد: «[این گروه] متأسفانه دارای تفکر انحرافی و خطرناکی بودند که ناشی از افراط و تفریط های اعتقادی بود... نام این گروه مهدویون بوده و احتمالاً رابطه ای با انجمن حجتیه نداشتند، البته شاید تعدادی از آنها عضو سابق انجمن حجتیه بوده باشند... در میان دستگیر شدگان نوه آیت الله میلانی نیز به چشم می خورد... در بازجویی ها مشخص شده است که افراد دیگری در لیست ترور این گروه بوده اند و قرار نبوده رازینی ترور شود و اعضای گروه از ترور رازینی توسط افراد گروه خودشان ابراز تعجب می کردند... یکی از عوامل ترور در جبهه ها حضور داشته و در قسمت کارهای تخریبی عملیات فعالیت کرده و با ساخت بمب آشنایی داشته است.»

جعفری در مورد وابستگی این افراد به سپاه پاسداران گفت: «یک نفر از عوام ترور احتمال دارد که قبلاً عضو سپاه و جزو نیروهای اخراجی باشد. ولی این دلیل نمی شود که این افراد، وابسته به سپاه باشند.»

لازم به تذکر است که روزنامه سلام، در روزهای اخیر با انتشار مقاله ئی اعلام کرده بود که سپاه پاسداران در ترور رازینی دست داشته است. در بی اعلام این مسأله از سوی روزنامه سلام، فرماندهی سپاه با انتشار بیانیه شدید الحنی روزنامه سلام را تهدید و مورد حمله قرار داد.

اظهارات روز یکشنبه جعفری، در تناقض آشکار با انکار های قبلی سپاه در این زمینه می باشد. نکته جالب دیگر اینکه سازمان مجاهدین خلق نیز قبلاً مسئولیت این ترور را بر عهده گرفته بود.

یورش حساب شده در نماز جمعه شهرهای گوناگون

بر اساس گزارش روزنامه کیهان، شنبه چهارم اردیبهشت ماه، اتمه جمعه شهرهای مختلف، از جمله تهران، قم، شیراز، تبریز، خرم آباد و دیگر شهرها نسبت به خطراتی که «نظام را تهدید می کند»، شدیداً هشدار دادند.

مشکینی امام جمعه قم و رئیس مجلس خبرگان، در نماز جمعه این هفته قم، در این مورد از جمله گفت: «چندی است که یک حرکت خزنده و حساب شده ای بر ضد نظام و اسلام آغاز شده و از جایی هدایت می شود. در این راستا بعضی از افراد در سخنرانی ها خود و برخی روزنامه ها با چاپ مقالاتی، ارزش های اسلامی را کاملاً زیر سؤال برده و نسبت به قانون اساسی، رهبری و نظام ایجاد شبه می کنند... زیر سؤال بردن قوانین اسلام از جمله قطع دست سارق، قصاص و حد جاری کردن و اختلاف دیه مرد و زن و همچنین ایجاد خدشه در ولایت فقیه مواردی است که در این حرکت خزنده به چشم می خورد.»

حاتری شیرازی، امام جمعه شیراز نیز در سخنان مشابهی گفت: «امر به معروف از آن بالا ها باید باشد. چرا باید در برخی از روزنامه ها و کتاب های منتشر شده به مقدسات اسلامی مردم توهین شود و مسئول ارشاد کشور عوض اینکه گوش او را بگیرد، لوحه سپاس، سکه و جایزه بدهد و او را تشویق کند و بگوید آزادی است. آزادی ترویج منکرات است؟»



تحصن دانشجویی

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، در پی اعلام استیضاح مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی روز یکشنبه، پنجم اردیبهشت ماه، در مقابل این دانشگاه تحصن کردند. بر اساس همین گزارش دانشجویان ضمن اعتراض به استیضاح مهاجرانی، به صدور حکم محکومیت دکتر کدیور، از سوی دادگاه ویژه روحانیت نیز شدیداً اعتراض کردند و خواهان تبرئه نامبرده شدند.

مناظره تاج زاده با موحدی ساوجی - با این موضع گیری ها چیزی برای نظام باقی نماند!

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، یکشنبه، پنجم اردیبهشت، مصطفی تاج زاده، معاون وزیر کشور، و علی موحدی ساوجی، رئیس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها، در یک مناظره، در محل تالار شیخ انصاری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شرکت کردند.

موحدی ساوجی در این مناظره درباره انتخابات شوراها در شهر تهران از جمله گفت: «در مورد شهر تهران، اصل انتخابات صحیح است و هیچ اشکالی در زمینه مخدوش بودن انتخابات نیست، اما مشکل در زمینه عدم صلاحیت پنج تن از انتخاب شدگان است. وی افزود بر اساس بند یک ماده ۲۸ قانون انتخابات، کلیه مشاوران و معاونان رئیس جمهور و نیروهای مسلح و کارکنان شهرداری باید دوماه قبل از ثبت نام خود استعفا دهند و آقای نوری یک ماه و ۲۶ روز قبل از موعد مقرر استعفا داده اند... آقای حکیمی یور معاون سازمان اموال تملیک وابسته به وزارت دارایی است، که ایشان نیز استعفا نداده اند و آقای اصغر زاده در محاکم قضایی محکومیت دارند. آقای سعید حجاریان که می بایستی التزام عملی خود به اسلام و ولایت مطلقه فقیه داشته باشند، متنی را نوشتند، که مخالفت با ولایت فقیه است، که آن را سلطنت «فقیه» دانسته اند.»

تاج زاده در پاسخ به اظهارات ساوجی گفت: «شما شاخص ترین چهره های نظام را به جرم مخالفت با ولایت فقیه رد کردید. عضو مجمع تشخیص نظام را که منصوب رهبری است، ضد ولایت فقیه می دانید و با این موضع گیری خود چیزی برای نظام باقی نمی گذارید... آقای نوری در موعد مقرر استعفای خود را تقدیم کرده است. آقای اصغر زاده در هیچ دادگاهی محاکمه نشده و هیچ دادگاهی

ادامه زبشه یابی برخوردارها و ...

بدین حد در جنبه اسارت حکومت نبوده است. بنابه گفته دوستان مطلع مذهبی، به طور کلی در حوزه به جز عناصر مزدور حکومت و حکومتی، خامنه ای هیچ محبوبیت یا پایگاهی ندارد و شمار جدایی دین از حکومت و زیر سؤال رفتن ولایت فقیه تا بدین حد جدی نبوده است. بر اساس همین نظر از میان مراجع به جز لنکرانی و تا حدودی مکارم شیرازی کسی پشت سر خامنه ای نیست و در عوض موقعیت منتظری بهتر از سایرین است. شرکت بیش از ۷۰۰ نفر در درس های خارج او، پیش از حمله به منزلش، و حمایت سایر مراجع از قبیل بهجت، آذری قمی، مومن، صافی و دیگران، مویده این نظر است. به عنوان نمونه به دلیل حمایت آیت الله مومن از منتظری، به خانه او (مومن) نیز حمله شد و صافی اعلام کرد که اگر کسی وجود داشته باشد که من پشت سر او نماز بخوانم، همان منتظری است. به نظر می رسد که منتظری به خوبی از تضاد مرجعیت با ولایت فقیه و حکومت استفاده کرده و عملاً از نظر اعتبار معنوی در رأس حوزه قرار گرفته است. به نظر دوستان مذهبی ما در مواضع منتظری چرخش هایی صورت گرفته است که قابل توجه است. بر اساس نظر این دوستان امروز در مورد مسأله ولایت فقیه، به جز کسانی که به آن اعتقاد ندارند، چند نظر وجود دارد:

۱. ولایت مطلقه فقیه (این نظر مورد حمایت روحانیت مبارز و اکثریت جامعه مدرسین است).
 ۲. مسأله وکالت (کدیور و کارگزاران).
 ۳. ولایت فقیه با حدود و اختیاراتی که قانون اساسی تعیین کرده است (اکثریت روحانیون مبارز، مجاهدین انقلاب اسلامی و به اصطلاح طیف خط امام).
 ۴. نظر جدیدی که منتظری مطرح می کند بازگشت به صدر مشروطیت است. بر اساس این نظر تنها نظارت مذهبی بر حکومت باید به وجود یک شورای نگهبان منتخب مراجع که در کارهای اجرایی هیچ گونه دخالتی نداشته باشد و تنها عدم مغایرت قوانین با احکام مذهبی را اعلام کند، خلاصه شود.
- منتظری معتقد است که باید امر به معروف و نهی از منکر از پائین و از طرف توده های مردم برای اصلاح دولت که اداره امور را بر عهده دارد باشد، و نه از بالا و از طرف حکومت. برای این منظور، او امروز به نظر می رسد که به این عقیده رسیده که باید آزادی احزاب و مطبوعات را تأمین کرد. به گفته این دوستان این نخستین باری است که یک مرجع تقلید فتوای آزادی احزاب و مطبوعات را صادر کرده است. منتظری دارای طیف وسیعی از هواداران فعال است که در تماس با سایر نیروهای مذهبی - ملی عمل می کنند. اوضاع طوری شده است که درباره او حتی در میان طیف روحانیت مبارز و روحانیون مبارز نظر واحدی وجود ندارد... تحول دیگری که اشاره به آن ضروری است این موضوع است که شمار نسبتاً زیادی از نیروهای جوان با گرایش به اندیشه های شریعتی و البته مذهبی - ملی به مبارزه جلب شده اند که به طور نسبی از شور و شعور اجتماعی خوبی برخوردارند. اکثر این افراد دارای سوابق زندان و فعالیت سیاسی سالمی هستند، اما بر این باورند که در اوضاع کنونی نمی توانند جریان مستقلی را به راه اندازند. در گفت و گویی که با برخی از این نیروها بوده است، آنها معتقدند که باید به دنبال ایجاد یک جبهه متحد ملی - مذهبی در بیرون از حکومت بود. آنها در ارزیابی های خود

معتقدند که نظرات منتظری از خاتمی بسیار رادیکال تر است، هر چند که این نیروها با منتظری نیز خط و مرز دارند. این نیروها معتقدند که خاتمی در مجموع برای حفظ «نظام» البته با اصلاحاتی برای امروزی کردن آن، می کوشد تا مانع شکل گیری یک آلترناتیو در بیرون حکومت شود. البته این نیروها معتقدند که باید از همه این تضادها استفاده کرد و در آنجاهایی که دولت و طرفدارانش زیر فشار توده ها در مقابله با راست افراطی اقداماتی می کنند که به سود جنبش باشد، نباید آنها را تضعیف کرد. این دوستان عمدتاً نظر مثبتی درباره مجاهدین انقلاب اسلامی و روحانیون مبارز ندارند و معتقدند که به دلیل عملکرد گذشته آنها و اثرات آن در جامعه نمی توان با آنها همکاری کرد. بر اساس همین نظر در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی دو نظر وجود دارد و نیروهای جوان این سازمان باید در تحولات آتی تکلیف خود را روشن کنند... اکنون شواهدی وجود دارد که در اثر تحولات عینی و میدانی روحیات جدید مبارزه در صفوف نیروهای ملی - مذهبی یک جبهه اعلام نشده شکل گرفته است، جبهه ئی از طرفداران منتظری، شریعتی، دکتر پیمان، سجابی، برخی نیروهای دفتر تحکیم وحدت، جبهه ملی و حتی نهضت آزادی. عملکرد این جبهه اعلام نشده را به عنوان نمونه در برگزاری مراسم سالگرد آیت الله طالقانی در شهرهای مختلف می توان مشاهده کرد... یکی از هراس های نیروهای طیف خاتمی نیز همین است که این جبهه رسماً اعلام نشده، که به صورت یک نیروی جانشین در بیرون از حکومت شکل گرفته است، بتواند ابتکار عمل را به دست بگیرد. الیوری در یک مصاحبه با «هاجر» گفت که خاتمی آخرین شانس جمهوری اسلامی است که شکست او منجر به ناامیدی حتی طیف وسیعی از نیروهای هاله جمهوری اسلامی از نظام خواهد شد. همین حرف را عبدی به شکل دیگری زد. دوستان مذهبی معتقدند که اصولاً شکل گیری «جبهه مشارکت اسلامی» درست با هدف ممانعت از شکل گیری هرگونه آلترناتیو در بیرون از حکومت بوده است. در مقابل این نظرات، جناح راست افراطی معتقد است که اگر در برابر هرگونه فضای بازی مقاومت نکنیم به سمت فروپاشی خواهیم رفت. در نشستی این مسأله مطرح بود که: اگر امروز با مراسم ترحیم این اشخاص (اشاره به مخالفان) موافقت کنیم، فردا باید با روزنامه ها و پس فردا باید با احزاب آنها موافقت کنیم و آن زمان دیگر رویارویی دیر خواهد بود. جناح طرفداران خاتمی در مقابل این نظر می گویند که اگر ابتکار فضای باز را در اختیار بگیریم جمهوری اسلامی سریع تر راه فروپاشی را طی خواهد کرد. آنها معتقدند که با اوضاع کنونی دیگر امکان نیرو گرفتن از نسل جوان وجود ندارد. آنها به نارضایتی گسترده در میان جوانان، زنان و سایر قشرها و طبقات اشاره می کنند. نارضایتی زنان از پیاده شدن احکام شرعی، از جمله طرح جدا سازی جنسی، مربوط به خدمات درمانی، دیگر از دایره طبقات مرفه و روشنفکر به سطح زنان مذهبی جامعه نیز سرایت کرده است. در گذشته و در دوران انقلاب نیروهای مذهبی جامعه با توجه به باورهای مذهبی مردم و شعارهای عدالت خواهانه و استقلال طلبانه توانستند بخش وسیعی از جامعه را جذب کنند، ولی این شرایط به سرعت در جامعه تغییر کرده است. امروز نارضایتی حتی به طیف وسیعی از نیروهای مذهبی نیز کشانده شده است. فساد، بی عدالتی، دروغ و تزویر مسایلی است که مثلاً بخش گسترده ای از «خانواده های شهدای جنگ، جانبازان» و دیگران را رنج می دهد... کوتاه کنیم، بحث اساسی امروز در حاکمیت بر سر این است که چگونه باید کشتی شکسته جمهوری اسلامی را به ساحل رساند.

ادامه بحران مسکن ...

باعث افزایش فقر و گرسنگی در سطح وسیعی در جامعه شده است. بر پایه آمار منتشره توسط مجلس شورای اسلامی «هزینه های زندگی یک کارمند به طور متوسط ۶۵۰ هزار ریال بیشتر از حقوق دریافتی اوست.»

با وجود این که سهم عمده ئی از درآمد زحمت کشان صرف اجاره مسکن می شود، میلیون ها ایرانی از داشتن مسکن مناسب محرومند و در شرایط اسف باری به سر می برند. روزنامه کیهان در گزارشی پیرامون شرایط زندگی حقوق بگیران، از جمله به مسئله مسکن اشاره کرده است. با وجود آنکه این گزارش با در نظر گرفتن «مصلحت نظام» تنظیم شده و به طور یقین آمار مورد تعدیل قرار گرفته اند، با این حال می توان در آن به عمق وضعیت فاجعه بار مسکن پی برد. بنا بر گزارش کیهان: «بیش از ۴۵ هزار خانوار (بطور متوسط ۴ نفره) در شرایط کپر نشینی و نظایر آن زندگی می کنند، ۲۲۱ هزار و ۱۸۷ خانواده ۴ نفره، ۱۳۰ هزار و ۷۱۰ خانواده ۵ نفره، ۸۸ هزار و ۴۳۸ خانواده ۶ نفره، ۶۵ هزار و ۱۶۱ خانواده ۷ نفره، ۲۹ هزار و ۳۷۰ خانواده ۸ نفره، ۱۷ هزار و ۳۷۰ خانواده ۹ نفره و بالاخره ۱۴ هزار و ۵۹ خانواده ۱۰ نفره در یک اتاق زندگی می کنند». بر اساس همین گزارش «در حدود ۹۰۷ هزار خانواده دو نفره در خانه های پنج اتاقه و ۵۰ هزار خانواده دو نفره در واحدهای مسکونی با ۶ اتاق به سر می برند.»

البته باید به این مسئله نیز اشاره کرد که کیفیت مسکن برای خانواده های پر جمعیت که در یک اتاق زندگی می کنند در سطح بمراتب نازل تری قرار دارد و عمدتاً فاقد کم ترین امکانات لازم زیستی است. در این آمار هر سقفی و هر سرپناهی به عنوان خانه و مسکن قلمداد شده است، خانه هایی که به جرات می توان گفت که تفاوتی با زاغه و کپر ندارند.

بحران مسکن که همچون معضلی عظیم در زمان شاه بروز کرده بود، به واسطه سیاست های غلط و ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه»، یعنی سیاست حمایت از دلالان زمین و

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

همت کارگران جایخانه های تهران سازمان یافت، نزدیک به یک سده می گذرد. کارگران ایران در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۱ نخستین تظاهرات بزرگداشت روز جهانی کارگر را، به همت کمونیست ها، در میهن ما برگزار کردند، و تا به امروز، با وجود همه سرکوب ها و بورش های نیروهای ارتجاعی، هر ساله این عید بزرگ کارگری را جشن گرفته اند. کارگران و زحمتکشان کشور ما امسال در اوضاع و احوالی به استقبال جشن اول ماه مه می روند که مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه» ابعاد بسیار گسترده ثی یافته و به همه عرصه های جامعه راه یافته است. بیست سال پس از انقلاب شکوهمند مردم میهن ما، در بهمن ماه ۱۳۵۷، که کارگران و زحمتکشان در آن نقش قاطع و اساسی ایفاء کردند، هنوز نه تنها هیچ یک از خواست های توده های میلیونی شرکت کننده در انقلاب، از جمله آزادی و عدالت اجتماعی، تحقق نیافته است، بلکه میهن ما در جنگال حکومتی ضد مردمی، استبدادی و ارتجاعی اسیر است، که کارنامه بیست ساله آن چیزی جز فقر، محرومیت، عقب ماندگی اقتصادی، بیکاری میلیون ها انسان، و بی حقوقی مردم نبوده است.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

حرکت تاریخی مردم در دوم خرداد ماه ۷۶، و نفی آشکار رژیم «ولایت فقیه» و پایه های ارزشی آن، یعنی حکومت استبدادی یک فرد، «ولی فقیه»، آغازگر مرحله ثی نواز مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی بوده است که در صورت سازمان یافتن و انسجام لازم، توان فرارویی به مبارزه نهایی برای طرد رژیم «ولایت فقیه» را دارد. از مشخصه های عمده این دوره از مبارزه، مطرح شدن اهمیت کلیدی آزادی های فردی و اجتماعی و ساختار های جامعه مدنی، و از جمله احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری مستقل از دولت، است. در سال گذشته، ما همچنین شاهد گسترش وسیع مبارزه کارگران و زحمتکشان در راه تحقق خواست های مشخص صنفی شان، و از جمله دفاع از بندهای مثبت قانون کار بودیم. به جرات می توان اذعان داشت که جنبش اعتصابی کارگران در هیچ دوره ثی از تاریخ معاصر چون این دو سال، از برخی جهات، چنین وسعتی دارا نبوده است. بحران همه جا نه ای که تظاهر آن رکود اقتصادی، تعطیل شدن صد ها کارخانه و کارگاه تولیدی، بیکاری میلیون ها کارگر و فقر فزاینده است، قشرهای وسیع زحمتکشان را به میدان مبارزه کشانده است. در سال گذشته کمتر واحد تولیدی را می توان یافت که در آن حرکت اعتراضی بر ضد رژیم و سیاست های خانمان برانداز آن صورت نگرفته باشد. از نساجی جهان چیت گرفته تا ذوب فلزات اهواز، نفت مسجد سلیمان، تراکتور سازی تبریز و ماشین سازی اراک، کارگران شهرداری تهران، کارخانه خانه سازی کرمان تا ماهیگیران بندر انزلی، کارگران در حرکت های گوناگون، از جمله تحصن، اعتصاب و راه پیمایی، نارضایتی خود را از ادامه وضع موجود اعلام کرده اند. آنچه این مرحله از اوج گیری مبارزات کارگری را برجسته می کند، از یک سو دامنه برخی اقدام های اعتراضی مانند حرکت زحمتکشان کاشان در مخالفت با واگذاری بیمارستان های وابسته به سازمان بیمه و تامین اجتماعی به بخش خصوصی است که برای چند روز شهر را تماماً در بر گرفت، و از سوی دیگر ابتکارهای نوینی است نظیر بستن جاده اصلی مواصلاتی بین شهری توسط کارگران اعتصابی در بهشهر که توسط رسانه های خبری گزارش شده است.

مبارزه کارگران با هدف جلوگیری از اخراج های گسترده، پرداخت دستمزد های عقب افتاده، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، لغو قرارداد های موقت، بازنشستگی پیش از موعد برای مشاغل سخت و زیان آور، سیستم کارآ و همه گیر تامین اجتماعی، مخالفت با سیاست خصوصی سازی و دفاع از برخی مفاد حامی حقوق کارگران در قانون کار، سازمان دهی می شود. بیکاری، از عمده ترین نگرانی های طبقه کارگر و زحمتکشان کشورمان است. دولت خود اذعان دارد که در سال ۱۳۷۵، طبق آمار رسمی، حداقل ۱/۵ میلیون نفر بیکار بوده اند. بر طبق نظر کارشناسان اقتصادی کشور، طی سال های آینده، سالانه بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار نفر وارد بازار کار خواهند شد. یعنی تا سال ۱۳۸۰ باید حداقل ۳/۵ میلیون شغل، سالانه ۷۰۰ هزار شغل، در کشور به وجود آورده شود، در صورتی که پر رونق ترین سال های بخش های اقتصادی قادر به خلق سالانه ۴۰۰ هزار شغل نیز نبوده اند. همچنین باید توجه داشت که در دو ساله اخیر بسیاری از موسسات تعداد کارکنان خود را کاهش داده اند، و نیز دولت سیاست تقلیل نیروی انسانی بخش عمومی را در دست اجرا دارد. چشم انداز سال ۱۳۸۰ بسیار نگران کننده به نظر می رسد. در چنین اوضاعی برخی از اصلی ترین سیاست گذاران اقتصادی در دولت فعلی، که همان طراحان و مبتکران سیاست «تعدیل اقتصادی» و بنابراین بانیان ایجاد بحران کنونی اند، با مطرح کردن لزوم خصوصی سازی کارخانه ها، اخراج کارگران «اضافی»، سرسختانه از الغاء و یا لااقل تغییر قانون کار در جهت خواست سرمایه داران، دفاع می کنند. آنان معتقدند: «تاکید بر قوانین سختگیرانه در مورد استخدام و اخراج نیروی کار و تحمیل هزینه های سنگین بیمه بر کارفرمایان، هر چند بر شرایط کار شاغلین تاثیر مثبت دارد، ولی سبب محدودیت خلق فرصت های شغلی جدید می گردد.» توطئه

جهت تضعیف بندهای از قانون کار، که مدافع حقوق کارگران است، در پوشش لغو قوانین دست و پا گیر و توسط نیرو هایی، همچون کارگزاران سازندگی، مطرح می شود که ادعای آزادی خواهی و مبارزه در راه توسعه سیاسی را نیز دارند. این سیاست رژیم، متوجه ایجاد شرایط برای ادامه سیاست های «تعدیل اقتصادی» است، که در ده سال گذشته، طبق دستورالعمل های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به اجرا گذاشته شده و به قیمت به هدر رفتن منابع عظیم انسانی و مادی کشور تمام شده، و به اقتصادی ورشکسته منجر شده است.

کارگران، زحمتکشان!

حزب توده ایران، بر این باور است که سرنوشت جنبش آزادی خواهی میهن ما ارتباط ارگانیک، تنگاتنگ و سرنوشت سازی با مبارزات کارگران و زحمتکشان دارد. باید به توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان، این عمده ترین گردان رزمنده هر جنبش ترقی خواهانه ای، اطمینان داد که این جنبش توان و خواست بر آورده کردن مطالبات آنان را دارد. در این برهه، یکی از عمده ترین وظایف نیروهای ترقی خواه ایجاد شرایط لازم برای گره زدن مبارزات حق طلبانه کارگران با کارزار برای توسعه سیاسی کشور است. در این راستا، مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری روز به روز اهمیتی بیشتر پیدا می کند. در تابستان گذشته، شاهد قدم های امید بخشی در این راستا بودیم. گرچه تلاش معلمان تهران برای تشکیل اتحادیه مستقل خود، به دلیل مداخلات دولت، به تمامی اهداف خود نایل نشد، اما نمایشگر گسترش درک صحیح از لزوم پایه گذاری تشکل های صنفی در میان کارکنان بدی و فکری بود. زحمتکشان و نیرو های پیشرو کشور، با استفاده از برخی الزامات، که اعلام گردن نهادن به تعهدات بین المللی از آن جمله است، مبارزه در جهت گسترش امکانات تشکل های سندیکایی و ساختارهای اصیل کارگری را باید تشدید کنند. در اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی، مصوبه ۱۳۵۷، مستند به منشور حقوق سندیکائی زحمتکشان، مصوبه ۱۳۳۳، و مقاله نامه های شماره ۷۸، ۹۸، ۱۱۱، ۱۳۵ و ۱۴۱ «سازمان بین المللی کار»، آزادی و استقلال سازمان های صنفی کارگران و زحمتکشان به مثابه اصول خدشه ناپذیر اعلام گردیده، و دخالت دولت ها در کار این سازمان ها مذموم شمرده شده است. «اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی» اعلام می دارد که «زحمتکشان، از جمله کارمندان دولت، حق دارند، بدون کسب اجازه گرد هم آیند، سندیکا تشکیل دهند. به سازمان های سندیکایی موجود پیوندند، بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هر گونه فعالیت سندیکایی شرکت نمایند... اعضای سندیکا ها آزادانه اساسنامه سندیکائی خود را تنظیم می کنند و طرز کار و فعالیت سندیکا را بدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می دهند. اعضای سندیکا حق دارند، طبق اساسنامه، رهبران سندیکا را انتخاب کنند و به عضویت ارگان های رهبری سندیکائی انتخاب شوند.»

نیروهای ارتجاعی و واپس گرا که پایه و اساس استبداد حاکم را در مقابل سیل خروشان مبارزه وسیع توده ها لرزان می بینند، مصمم اند که با اتکاء به هر شیوه و ابزاری، از جمله سرکوب و ترور دگراندیشان، جلوراه ادامه تحولات کنونی را سد کنند. آغاز سال ۱۳۷۸ مصادف با یورش سازمان یافته نوینی از سوی این نیروها برای سرکوب کامل و به شکست کشاندن جنبش مردمی بوده است. شکست های سنگین نیروهای ارتجاعی در سال گذشته، از جمله در انتخابات شوراهای شهر و روستا، که در آن بیش از بیست میلیون ایرانی با تحمیل شکست سنگین بر نیروهای مدافع رژیم «ولایت فقیه»، بار دیگر اراده خود را به ادامه تحولات به سمت آزادی و استقرار عدالت اجتماعی تکرار کردند، مدافعان رژیم استبداد مطلقه را سخت به وحشت انداخته است. فریاد های «وا اسلاما» و «تکرار مشروطیت»، از سوی نمایندگان ارتجاع، اسم رمز آغاز توطئه گسترده ثی است که هدف آن سرکوب کامل و خونین جنبش مردمی است. اتحاد، انسجام و ایستادگی در مقابل این توطئه در اوضاع کنونی، از اهمیت ویژه ثی برخوردار است.

کارگران و زحمتکشان!

پیروزی جنبش آزادی خواهانه و دموکراتیک مردم ایران در گرو ادامه و گسترش مبارزات متحد و سازمان یافته شما است. پایه گذاری ساختار های مستقل کارگری را به موازات ادامه و تعمیق اقدام اعتراضی کارگری، و از جمله اعتصاب و تحصن، در مد نظر باید قرار داد. سازمان دهی فعالیت های همه جانبه در همبستگی با کارگران اعتصابی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

حزب توده ایران معتقد است که، باید کوشید با گسترش مبارزات صنفی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان و پیوند زدن آن به جنبش آزادی خواهانه میهن، گامی بلند و ضرور در تدارک مراحل تعیین کننده و بعدی جنبش برداشت. طبقه کارگر می تواند و باید، همانگونه که در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ شاهد بودیم، نقش محوری خود را در تحولات آینده کشور و تضمین محتوای عدالت جویانه هر گونه تغییری ایفا کند. اعضا و هواداران حزب توده ایران در این مسیر مبارزه می کنند.

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان!

زنده باد طبقه کارگر قهرمان و بیکارگر ایران!

پیروز باد مبارزه متحد خلق در راه آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و طرد

رژیم «ولایت فقیه»!

زندگی و آموزش لنین



دوم اردیبهشت ماه، مصادف با سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبر خردمند انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و یکی از برجسته ترین چهره های انسانی در تاریخ است. زندگی و آموزش انقلابی لنین، میراث گرانبهایی برای همه مبارزان راه آزادی، صلح و سوسیالیسم در سراسر جهان به شمار می رود. لنین، به عنوان اندیشمندی خلاق و ژرف نگر، آموزش مارکس و انگلس را در شرایط تاریخی نوین بسط داد و غنا بخشید. لنین در دورانی در عرصه جنبش انقلابی بین المللی ظهور کرد که سرمایه داری از مرحله رقابت آزاد به مرحله سرمایه داری انحصاری، به دوران امپریالیسم، رسیده بود. در این مرحله، تکامل نظریه مارکسیستی و تدوین استراتژی و تاکتیک انقلابی مناسب اوضاع و احوال تاریخی نوین، در دستور روز قرار داشت. این رسالت تاریخی را لنین با فعالیت علمی و عملی شگرف خود به انجام رساند. از لنین در سراسر زندگی ثمربخش اش، متجاوز از سی هزار دستنویس به صورت کتاب، جزوه، مقاله، نامه و سند به یادگار مانده است. مهم ترین ویژگی فعالیت فکری و انقلابی لنین، خلاقیت ژرف و علمی اوست. لنین با تأکید بر جوهره دیالکتیکی آموزش مارکس و انگلس، مارکسیسم را غنی ساخت. لنین در یکی از آثار کوتاه، اما مهم خود به نام «درباره برخی خصوصیات تکامل تاریخی مارکسیسم»، در توضیحی پیرامون خلاقیت علمی مارکسیسم و ضمن یادآوری این جمله مشهور انگلس که «آموزش ما جزم نیست، بلکه رهنمون عمل است»، با دقت علمی نوشت: «در این اصل کلاسیک [سخن انگلس] آن جنبه ئی از مارکسیسم که اکثراً از نظر دور می دارند، با قوت و صراحت شگرفی خاطر نشان شده است. ما با از نظر دور داشتن این اصل، مارکسیسم را به یک چیز یک طرفی، زشت و بی روح تبدیل می کنیم، عصاره حیاتی آن را می کشیم، ارکان اساسی نظری آن یعنی دیالکتیک، یا آموزش مربوط به تکامل تاریخی جامع الاطراف و مشحون از تضادها را منهدم می سازیم. ارتباط آن را با وظایف عملی معین زمان که، در هر چرخش تازه تاریخ تغییر پذیرند، قطع می کنیم.» (۱)

مارکس و انگلس، بنیاد استواری را برای تکامل مارکسیسم پی ریزی کرد، و در این باره همواره تأکید می کرد که: «در مارکسیسم هیچ چیز شبیه به سکتاریسم (فرقه گرایی)، یعنی به مفهوم یک آئین در خود فرو رفته تحجر یافته و برکنار مانده از بزرگ راه گسترش تمدن جهانی، وجود ندارد. تمام نبوغ مارکس درست در این است که به مسایلی پاسخ داده است که جامعه پیشرفته انسانی قبلاً مطرح ساخته بود.» (۵)

راز ماندگاری و صحت مارکسیسم - لنینیسم نیز در این واقعیت نهفته است. لنین همواره در قلب مبارزان شیفته راه صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم، جاودانه خواهد زیست. البرت اینشتین، دانشمند ریاضی دان بزرگ درباره لنین می گوید: «انسان هایی چون او، محافظ و تکامل دهنده وجدان بشری اند» (برگرفته از کتاب لنین و خلق های جهان، مسکو، ۱۹۷۰).

توجه به این روح مارکسیسم که لنین آن را «عصاره حیاتی» می نامد، هسته اساسی، مضمون آموزش و اندیشه های لنین قلمداد می شود. در آثار نظری و پر بار لنین، توجه به حقایق علمی جایگاه ویژه ای دارد. درست از همین مدخل است که او به مبارزه بی امان نظری در برابر انواع انحرافات در جنبش کارگری می پردازد، و از حقایق علمی و طبقاتی آموزش مارکس و انگلس دفاع می کند.

در سال های پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، که ارتجاع موقعیت خود را تحکیم می کرد، و روحیه ناشی از شکست به اشکال مختلف از جمله در رد نظرات مارکس در جنبش کارگری روسیه رشد کرده بود و انترناسیونال دوم در سراشیب فرصت طلبی می غلتید، لنین در دفاع از آموزش خلاق مارکسیسم نوشت: «مارکسیسم یک شریعت بی جان و یک آموزش پایان یافته و آماده ولایتی نیست، بلکه رهنمون عمل است.» (۲)

- (۱). لنین، منتخب آثار (به فارسی)، صفحه ۲۸۸
- (۲). لنین، منتخب آثار (به فارسی)، صفحه ۲۸۹
- (۳). لنین، منتخب آثار (به فارسی)، صفحه ۲۴
- (۴). ماده گرایی و آزمون سنجی، ترجمه زنده یاد رفیق احسان طبری (معادل مارکسیسم و امپروکریسیسم)
- (۵). سه منبع و سه جزء مارکسیسم، مجله دنیا، شماره ۱، سال ۱۳۵۹.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، بیشترین حملات سرمایه داری نیز متوجه لنین و اندیشه های او بود. کم نبودند و نیستند جریانات و افرادی که، بدون شناخت دقیق از اندیشه های لنین، او را رد شده و باطل اعلام کردند. در خصوص آشتی ناپذیر سرمایه داری بر ضد مارکسیسم، و به ویژه نظرات لنین، واقعیتی نهفته است. این واقعیت درستی و علمی بودن اندیشه های لنین است. در سال ۱۹۰۸، در اوج بسط نظرات انحرافی درباره مارکسیسم، لنین در مقاله ئی با عنوان «مارکسیسم و ریزوینیس» نوشت: «تئوری های علوم طبیعی تاریخی که با موهومات کهنه برخورد می کند همیشه موجب یک مبارزه کاملاً سبعانه شده و هنوز هم می شود. و تعجب آور نیست، زیرا آموزش مارکس مستقیماً برای روشننگری طبقه پیشرو جامعه معاصر و سازماندهی آن به کار می رود... درباره علم و فلسفه بورژوازی که به طور فرمایشی از طرف پرفسورهای فرمایشی برای تحمیل نسل جوان طبقات ثروتمند و برای برانگیختن آنان بر ضد دشمنان خارجی و داخلی تعلیم داده می شود، حاجتی به تذکر نیست. این علم حتی سخنی هم درباره مارکسیسم نمی خواهد بشنود و آن را معدوم و مردود اعلام می کند. هم دانشمندان جوان، که باطل سوسیالیسم را نردبان ترقی خود ساخته اند و هم پیران سالمند که قیم هرگونه سیستم پوسیده ئی اند، با حرارتی یکسان به مارکسیسم می تازند.» (۳)

آثار پرارزش، وزین و علمی لنین همانند «امپریالیسم، واپسین مرحله سرمایه داری»، «ماده گرایی و آزمون سنجی»، «بیماری کودکی چپ گرایی در کمونیسم»، «دولت و انقلاب» و دیگر مطالب علمی، هر یک با توجه به مباحث مطرحه، اعتبار علمی خود را هنوز هم حفظ کرده اند. این امر حتی مورد قبول برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی مدافع سرمایه داری نیز قرار دارد. لنین با تکیه بر روح دیالکتیکی آموزش

« ما هرگز به آیین مارکس به مثابه چیزی جامد و مقدس نمی نگریم، بر عکس، ما معتقدیم که این آیین تنها سنگ بنای دانشی را نهاده است که سوسیالیست ها، اگر نخواهند از زندگی واپس بمانند، باید آن را در همهء جهات به پیش رانند...»

لنین : کتاب «کلیات آثار»، جلد ۶، ص ۲۱۷ - ۲۱۸

«نیم قرن پیش هنگامی که مارکس "کاپیتال" خود را می نوشت رقابت آزاد در نظر اکثریت اقتصاد دانان "قانون طبیعت" بشمار می رفت. علم فرمایشی می کوشید این اثر مارکس را که در آن بر بنیاد تجزیه و تحلیل تئوریک و تاریخی سرمایه داری ثابت شده بود که رقابت آزاد موجب تمرکز تولید می شود و این تمرکز در مرحله معینی از تکامل خود به انحصار منجر می شود را با توطئه سکوت نابود سازد...»

کتاب "آثار منتخب"، جلد اول، ترجمه رفیق شهید پورهرمزان "امپریالیسم واپسین مرحله سرمایه داری"

ادامه کالبد شکافی يك حرکت ...

ادامه بحران مسکن در ایران

بزرگ سرمایه داران، زرفش بیشتری یافته و ابعاد گسترده تری را به خود گرفته است. سیاستی که با دست یازی آن به انواع شگردها کشور را با سرعتی هرچه بیشتر به سوی خصوصی سازی سوق می دهد.

اتخاذ چنین سیاستی موجب آن شده است که قیمت زمین و ساختمان های مسکونی و غیر مسکونی به طور سرسام آوری افزایش یابند. بر اساس گزارش روزنامه رسالت، به تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۷۷، «نرخ یک آپارتمان ۱۰۰ متری در نیاوران برابر با ۲۴ میلیون و هفتصد و هفتاد هزار تومان است و در مناطق جنوب شهر و نازی آباد ۱۲ میلیون تومان و در حاده ساوه ۱۵ میلیون تومان است.»

به موازات افزایش اجاره بها و مجموع هزینه های مربوط به خانه سازی، تقاضا و سرمایه گذاری در این بخش به طور چشم گیری کاهش یافته است. بنا به گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی «در ۹ ماه اول سال ۱۳۷۶ خورشیدی، تعداد پروانه های صادر شده در امور ساختمان سازی و مسکن ۴۱/۶ درصد کاهش داشته است.» طبق گزارش دیگری از طرف بانک مرکزی تعداد پروانه احداث، صادر شده در نیمه نخست سال ۷۷، نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۳/۱ درصد کاهش داشته است. بر اساس همین گزارش سطح کل زیر بنای طبقات در شش ماهه اول امسال در تمام مناطق شهری کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۷/۴ درصد کاهش داشت. در همین رابطه روزنامه همشهری نوشت: «بخش ساختمان و مسکن در سال گذشته رشدی منفی داشته و در این بخش ۱۰ درصد کمتر از سال ۱۳۷۵ درآمد تولید شده است» (همشهری، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۷).

روزنامه سلام (۲۷ اسفندماه ۱۳۷۷) نیز در گزارشی پیرامون وضعیت اقتصادی ایران در سال ۱۳۷۷، درباره بخش مسکن متذکر شد که: «در سال ۷۷، وضعیت مسکن و خانه سازی در سطح کشور با رکود مواجه بوده و بسیاری از کارگاه های تولیدی و کارخانه های ساخت مصالح ساختمانی با تولید کمتری نسبت به سال های قبل به فعالیت مشغول بودند.»

کمبود مسکن و مشکلات مربوط به آن، به عنوان مسئله ای بنیادین، طی چند دهه اخیر در کشورمان وجود داشته است. روشن است که معضل مسکن در رابطه تنگاتنگ با چگونگی اوضاع اقتصادی یک جامعه قرار دارد و به عنوان بخشی از مجموعه اقتصاد ملی عمل می کند و در رابطه مستقیم با برنامه های کلی کشور است. سیاست های اتخاذ شده از سوی رژیم «ولایت فقیه» در سال های اخیر، از جمله در دوران هشت ساله ریاست جمهوری هاشمی «سردار سازندگی»، نه تنها گامی در راه حل این معضل برنداشته، بلکه به گواهی اسناد رسمی رژیم بر وخامت آن نیز افزوده است. بدیهی است که ادامه چنین سیاست هایی از سوی دولت جدید نتایج متفاوتی نخواهد داشت. سیاست های اقتصادی - اجتماعی اتخاذ شده، در مجموع سیاست های ضد مردمی و بر ضد منافع محرومان و به نفع طبقات مرفه بوده است. باید با این سیاست ها فعالانه مبارزه کرد.

همچون روزنامه کیهان، جمهوری اسلامی و رسالت، حتی نیروهایی را که تا دیروز به نام «نیروهای خودی» از آنها نام برده می شد، به صف «ضد انقلاب» پرتاب کرده اند تا حذف کامل آنها از صحنه سیاسی با دردرسر کمتری روبه رو باشد. روزنامه همشهری، در سرمقاله روز پنجشنبه، ۲ اردیبهشت ماه ۷۸ خود، درباره حرکت های انجام شده در هفته های اخیر نوشت: «جلسه علنی مجلس شورای اسلامی دیروز با توهین گستاخانه به رئیس جمهوری و تهاجم غیر منطقی و تهییجی به همه برنامه های وی آغاز شد و با قرائت استیضاح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پایان یافت.»

کالبد شکافی حرکت صورت گرفته از سوی مجلس شورای اسلامی، یعنی نهادی که دانشجویان در سال گذشته به درستی آن را «مجلس ضد ملت» نامیدند و خواهان انحلال آن شدند، کارچندان دشواری نیست. در نامه ئی که استیضاح کنندگان به رئیس مجلس فرستاده اند، «دلایل روشنی» در مورد ضرورت چنین حرکتی ذکر شده است که بسیار افشاگرانه و روشنگر است. در این نامه، ضمن اشاره به وظایف وزارت ارشاد مبنی بر دفاع و پاسداری از تاریخ اندیشی، به مواردی اشاره شده است که وزارت ارشاد نتوانسته است وظایف خود را بخوبی انجام دهد و جلو خلاف کاری های زیر را بگیرد: «توهین به مقدسات و ترویج فساد و فحشاء طبق پیوست ۱، مثلاً در شماره ۸۶ مجله امید جوان؛ دین ستیزی، پیوست شماره ۲؛ ترویج جدایی دین از سیاست، پیوست ۳؛ تمجید از نظام طاغوت و طاغوتیان، پیوست شماره ۴؛ تحریف مبانی نظری امام و اهداف انقلاب، پیوست شماره ۵؛ تهاجم به وحدت ملی و منافع ملی اسلام و توهین به نهادها و قوای سه گانه، پیوست ۶؛ ... احیاء کانون نویسندگان و تقدیم جایزه به نویسندگانی که به هیچ وجه مستحق دریافت جوایز نظام جمهوری اسلامی نیستند... عدم استفاده مناسب و نادرده انگاشتن ارزش ها و شخصیت والای زنان از دیدگاه مکتب مترقی اسلام در سمینار و مخدوش کردن حدود و ضوابط شرعی در سطح وسیع...» (کیهان، پنجشنبه، دوم اردیبهشت ماه ۷۸).

روزنامه نشاط نیز در مقاله ئی با عنوان «انجام دادیم و شد» به بررسی رویدادهای هفته های اخیر پرداخته، و در نتیجه گیری مقاله می نویسد: «ظاهراً در مبادله آتش سنگین مجادلاتی که در هفته های اخیر بین دو جبهه اصلی سیاسی شدت گرفته ... یک طرف مکرراً به طرف دیگر می گوید که شما نمی توانید روزنامه ها را تعطیل کنید، نمی توانید افراد را به جرم اندیشه زندانی کنید، نمی توانید مخالفان را حذف کنید، نمی توانید مردم را نادیده بگیرید ... و جبهه مقابل هم گاه با سکوت و گاه با استناد به روایت هایی از قانون و گاه با عصیانیت و تهدید و گاه با [کشتار فجیع دگراندیشان!...] در واقع می گویند که ما می توانیم. این ما می توانیم با توجه به قرائن حالیه به معنای این است که زورمان می رسد. قوه کذا، قوه کذا و کذا در دستمان است و هر وقت میل کنیم امور به اراده ما محقق می شود.»

ما قبلاً گفته بودیم و تکرار می کنیم که، مسأله اساسی در این برخوردها تعویض این وزیر یا آن وزیر نیست، برای ارتجاع حاکم مسأله بازگرداندن آب رفته به جو است. در دوسال گذشته نه تنها رژیم «ولایت فقیه» و رهبران درجه اول آن چون خامنه ای، رفسنجانی، یزدی، و دیگران بیش از پیش افشاء و طرد شده اند، بلکه اساس نظریاتی که رژیم «ولایت مطلقه فقیه» بر آن استوار است نیز در ابعاد بی سابقه ای زیر علامت سنوآل رفته است. اگر تا دیروز احزاب و نیروهای اپوزیسیون تنها نیروهایی بودند که بر ماهیت ارتجاعی این نظرات انگشت می گذاشتند، امروز حتی بخش های وسیعی از نیروهای مذهبی مانند کدیور، طرفداران منتظری، و دیگران نیز اساس حکومت استبدادی را زیر علامت سنوآل برده اند. ارتجاع به این نتیجه مهم رسیده است که برای جلوگیری از این روند، تمامی صدای های مخالف خوان و قلم های مخالف نویس را شکست. باید افرادی مثل کدیور و حتی منتظری را محاکمه و زندانی کرد تا درس عبرتی برای دیگران شود، باید جنبش کارگری، نهادهای اجتماعی، انجمن های فرهنگی، تشکل های زنان و دانشجویی را سرکوب کرد تا بتوان چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و بار دیگر سکوت قبرستانی را بر ایران حکمفرما کرد. برای نیروهای سرکوبگر، مسایل با استیضاح مهاجرانی و حتی برکناری او، همان طوری که با عبدالله نوری کردند، زندانی کردن کدیور و کرباسچی حل نمی شود، بلکه باید در ابعاد گسترده ئی جنبش مردمی را در سراسر ایران سرکوب کرد. در صورت لزوم دانشگاه ها را بست، گروه های چاقو کش «امر به معروف و نهی از منکر» را برای آزار و اذیت زنان و ارباب آنان به خیابان ها فرستاد، به دفاتر روزنامه های مخالف خوان حمله کرد و آنها را آتش زد و دوستان تا سیصد نفر از شخصیت های مهم و با نفوذ سیاسی را ترور فیزیکی کرد و هزاران هزار دگراندیش دیگر را بر شمار انبوه زندانیان سیاسی افزود تا آن وقت بتوان از «جاری شدن» بی چون و چرای «قوانین اسلام» سخن گفت. بی شک ماه های آینده ماه های مهمی در نبرد با ارتجاع است. هدف نهایی ارتجاع سرکوب جنبش است. با این هدف در هر شکل و شمایل که بروز بیرونی پیدا کند، باید مبارزه کرد. توطئه ارتجاع را تنها با مقابله نیرومند، سازمان یافته و متحد می توان با شکست روبه رو کرد. باید آتش مبارزه را بیش از پیش بر حلقه های اساسی تمرکز نیروی ارتجاع، از جمله «ولایت فقیه»، قوه قضائیه و نیروهای سرکوبگر متمرکز کرد. ارتجاع با اتکاء به همین مراکز است که تمامی توطئه های خود بر ضد جنبش مردمی را سازمان دهی می کند. برقراری جبهه واحد نیروهای مردمی مخالف استبداد برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، یگانه راه مطمئن پیروزی جنبش است. توده ای ها در راه تحقق این خواست تمام توان و نیروی خود را به کار گرفته و خواهند گرفت.



«دستکاری» در انتخابات

هزاران تن از مردم الجزایر در تظاهراتی در مخالفت با نتایج انتخابات ریاست جمهوری این کشور، که اخیراً انجام شد، و فقط یک کاندیدا در آن شرکت کرد، در الجزیره و دیگر شهرهای مهم این کشور به خیابان ها ریختند. شش کاندیدای دیگر این انتخابات در اعتراض به تقلبات انتخاباتی از شرکت در انتخابات سرباز زدند. تنها کاندیدای شرکت کننده انتخابات وزیر خارجه سابق عبدالعزیز بوتفلیقه بود. بین ۵۰۰ تا ۴۰۰ نفر در این اقدام اعتراضی شرکت داشتند. پلیس ضداعتشاش چندین بار به جمعیت تظاهرکننده حمله کرد. وزیر کشور الجزایر، عبدالملک سلال، ضمن اعلام نتایج نهایی انتخابات گفت که، مقامات قانونی هرگونه تظاهراتی را غیر قانونی اعلام کرده اند، چرا که برگزارکنندگان آن مجوز قبلی نداشته اند. یک سخنگوی شش کاندیدای تحریم کننده انتخابات متذکر شد که، فراخوان یک تظاهرات سراسری در کشور اعلام خواهد شد. آنان که شب قبل از انتخابات از شرکت در آن کناره گیری کرده بودند، نتایج انتخابات را رد کرده و اعلام کردند که با بسیج اعتراضات توده ای «یک دموکراسی واقعی را اعمال خواهند کرد.»

هندوستان

متعاقب سقوط دولت دست راستی و شوونیست «ب.جی.پی.» در ۲۸ فروردین، احزاب چپ در پارلمان هندوستان مذاکراتی را در رابطه با تشکیل دولت آینده آغاز کردند. انتظار می رود که حزب کنگره هند، که با ۱۴۶ نماینده بزرگ ترین حزب اپوزیسیون در پارلمان است، کوشش کند که با جلب حمایت احزاب کمونیست، سوسیالیست و نیز احزاب منطقه ای از تشکیل یک دولت کنگره با یک برنامه ترقی خواهانه حمایت کند. اما ۷ نماینده دو حزب کوچک جب اعلام کرده اند که آنها به دلیل سیاست های اقتصادی نولیبرالی حزب کنگره مخالف تشکیل یک دولت جدید به رهبری این حزب اند. رهبر حزب سوسیالیست انقلابی گفت: «ما نظر خود را در جلسه ابراز کردیم. مامخالف دولت حزب کنگره ایم.» «بلوک پیشرو» که دونهایند در پارلمان دارد نیز مخالف تشکیل دولت به رهبری حزب کنگره است که دوران حکومتش در سال ۱۹۹۱ سیاست های اقتصادی بازار آزاد را اتخاذ کرد. یک رهبر حزب کمونیست هندوستان و از دولتمردان بنگال غربی گفت: «تفاوت نظرهایی وجود دارد.» رهبران حزب کمونیست خواستار شدند که حزب کنگره جزئیات برنامه خود برای یک دولت جایگزین را که ششمین دولت در عرض ۳ سال اخیر است، اعلام کند.

پاکستان

یک دادگاه ویژه پاکستان در روز ۲۴

فروردین خانم بی نظیر بوتو، نخست وزیر سابق پاکستان، را غیابا به ۵ سال زندان و ۸ میلیون دلار محکوم کرد. دادگاه، خانم بوتو و شوهرش را متهم به رشوه خواری و فساد کرد. حزب مردم پاکستان در بیانیه ئی مدعی شد که دادگاه برای خاتمه دادن به زندگی سیاسی بی نظیر بوتو سازمان داده شده است. خانم بو تو خود در اظهاراتی در لندن گفت: «اثبات بی گناهی در مقابل قاضی ئی که پدرش، پدر مرا به حلقه دار سپرده است، در مقابل قاضی ئی که دوست نزدیک خانوادگی نواز شریف (نخست وزیر) است نه، این چنین قاضی ئی نمی تواند بی طرف باشد، او عادل نخواهد بود، او عدالت را جاری نخواهد کرد.» احمد مختار، دبیر کل حزب مردم پاکستان، گفت که وکلای مدافع در حال تدوین استر تزی در رابطه با فرجام خواهی اند. خانم بوتو همه اتهامات برضد خود و همسرش را مبنی بر اینکه در دوران صدارت خود ۶۰۰ میلیون دلار سو استفاده کرده اند مردود شمارد.

یوگسلاوی

به گفته یکی از مقامات بلند پایه یوگسلاوی، بمباران و حملات اخیر ناتو برضد یوگسلاوی، خسارت های سنگین و جبران ناپذیری را در این کشور به بار آورده است. نخست وزیر یوگسلاوی، دیوک دراسکوویک، طی مصاحبه ئی با خبرگزاری بی بی سی گفت: خسارت های وارده بالغ بر ۲۰ میلیارد پوند است و بازسازی آن به ۵ سال وقت نیاز دارد. وی همچنین اضافه کرد که بمباران های اخیر باعث گریز و بی خانمانی مردم از خانه ها و شهرهایشان به ویژه کوسوو، شده است. او گفت که، حتی بسیاری از مردم بلغراد نیز از ترس بمباران ها به شهرهای دیگر پناه برده اند. روسیه در روز ۲۴ فروردین اقدام ایالات متحده به تسلیح «ارتش آزادیبخش کوسوو» - ک.ا.ا. - را نقض آشکار قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل شمرد و محکوم کرد. یک بیانیه وزارت خارجه روسیه گفت که، شواهد غیر قابل انکاری در رابطه با تحویل تسلیحات توسط کشورهای عضو ناتو و به ویژه ایالات متحده در اختیار دارد. بر طبق گزارش مستند تلویزیون آلمان، سازمان اطلاعاتی آلمان برای «ک.ا.ا.» نارنجک های مدرن ضد تانک، اورکت های نظامی و ابزار الکترونیکی برای ردیابی و تعلیمات اطلاعاتی فراهم آورده است. مطبوعات غربی شواهد مستند فراوانی دال بر ارتباط «ک.ا.ا.» با گروه های مافیایی و قاچاقچیان اسلحه منتشر کرده اند. بر طبق این شواهد، محموله های هروئین از مسیر ترکیه وارد آلبانی شده و از طریق مرزهای شمالی آلبانی به کوسوو رفته و از طریق بالکان به اروپای غربی ارسال می شود. سالی بریسا، رئیس جمهوری سابق آلبانی، مستقیماً در این قاچاق مواد مخدر دست داشته است. باند های جنایتکار، در آمد حاصله از قاچاق هروئین را از طریق خرید اسلحه «تطهیر» می کنند. شیوه عمل در کوسوو شبیه دیگر عملیات پنهانی سیا در آمریکای مرکزی، نیکاراگوئه، هائیتی و افغانستان است، که در جریان آن «مبارزان آزادی خواه» از طریق عواید قاچاق مواد مخدر، هزینه های تهیه تسلیحات برای فعالیت های مهلک خود را کسب می کردند.

ژاپن

• سخنگوی رسمی دولت ژاپن طی بیانیه ئی اعلام داشت که، همکاری های نظامی ارتش های آمریکا و ژاپن، در مواقع اضطراری، به مناطق خاص و ویژه محدود نیست. پس از پایان جنگ دوم جهانی، این نخستین بار است که ارتش ژاپن در همکاری مستقیم با پنتاگون، برای حضور نظامی در دیگر نقاط جهان آماده می شود.

• در اولین مرحله انتخابات محلی ژاپن، که در نیمه دوم فروردین ماه جاری صورت پذیرفت، حزب کمونیست ژاپن به پیروزی های درخشانی دست یافت. کاندیداهای حزب کمونیست ۴۲۶۰۰۰۰ رای بدست آوردند که در مقایسه با گذشته، معرف افزایش ۱۸۷۰۰۰۰ رای است. حزب کمونیست به لحاظ تعداد رای، پس از حزب حاکم لیبرال دموکراتیک، بیشترین تعداد آرا را به دست آورده است. در انتخابات دوره ای مجلس های محلی، حزب کمونیست ۱۵۲ کرسی به دست آورد که در مقایسه با انتخابات گذشته، معرف ۵۴ کرسی بیشتر است. در انتخابات شوراهای ۱۱ شهر عمده کشور، حزب کمونیست ۱۰۹۰۰۰۰ رای کسب کرد و ۱۲۰ کرسی به دست آورد که معرف افزایش ۲۸ کرسی است. یکی از مشخصه های برجسته موفقیت های انتخاباتی حزب کمونیست ژاپن حضور ۱۰۱ نماینده زن در بین کاندیداهای موفق آن است.

روسیه

با فروپاشی اتحاد شوروی، اوضاع اقتصادی فدراسیون روسیه به ورشکستگی و ناتوانی کامل گرائیده است. اتحاد شوروی که سه دهه پس از انقلاب کبیر اکتر، به دومین قدرت اقتصادی جهان، پس از ایالات متحده آمریکا، بدل شده بود، در اندک مدت زمانی که از فروپاشی سیستم سوسیالیستی می گذرد به یکی از بدهکارترین وضعیف ترین کشورهای صنعتی تبدیل شده است. در آخرین برآورد های اقتصادی، روسیه در حال حاضر در

میان ۴۹ کشور که ۹۴ درصد تولید جهانی را دارا هستند، در مقام آخر قراردارد و هم اکنون بیش از ۱۵۰ میلیا رد دلار بدهی خارجی دارد که طی سال جاری میلادی، بالغ بر ۱۸ میلیارد دلار آن را، به عنوان بهره، باید پس دهد.

اعلامیه مشترك در سوئد

احزاب و سازمان های مترقی داخلی و خارجی سوئد، با صدور اطلاعیه و برگزاری تظاهرات در میدان مرکزی استکهلم، ضمن اعتراض علیه بمباران ها و تهاجمات ناتو، پشتیبانی خود را از مقاومت مردم یوگسلاوی برضد امپریالیسم اعلام کردند. در اطلاعیه مشترك از جمله آمده است: «ما احزاب کمونیست و مترقی مهمان در سوئد حمایت خود را از مقاومت مردم یوگسلاوی در مقابل تهاجمات آمریکا و متحدانش اعلام می کنیم. این اولین بار نیست که آمریکا سیاست دخالت یا سیاست جنگی را برضد یک ملت اتخاذ می کند. ما اعمال این سیاست ها در گرانادا، پاناما، عراق، سومالی، لبنان، قبرس و دیگر کشورها شاهد بوده ایم. امپریالیسم از طریق «ناتو» علائق خود را تحمیل کرده و کوشش می کند با اعمال «نظم نوین جهانی» جهان را کنترل کند. آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا به یوگسلاوی هجوم می برند، در عین حال که رژیم فاشیستی ترکیه بر رغم تصویب سازمان ملل دال بر اینکه می باید نیروهای خود را از جزیره قبرس بیرون بکشد، به اشغال قسمت بزرگی از قبرس ادامه می دهد. آمریکا همچنین دولت کلمبیا و دیگر گروه های شبه نظامی وابسته به دولت را در مقابل مردم کلمبیا و ارتش آزادی بخش کلمبیا حمایت می کند. ما خواستار آنیم که، دولت سوئد تهاجم «ناتو» را محکوم کرده و فعالانه خواهان پایان بخشیدن بمباران ها شود. ما از مردم سوئد می خواهیم که به پا خاسته و در مقابل تهاجم آمریکا، ناتو و امپریالیست های کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از خود واکنش نشان دهند.

حزب کمونیست سوئد، حزب کمونیست مارکسیست-لنینست انقلابی سوئد، جوانان کمونیست انقلابی در استکهلم، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست شیلی، کمو نیستهای جوان شیلی، حزب کمونیست عراق، حزب توده ایران، حزب کمونیست کلمبیا، حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست-لنینیست)، جبهه آزادیبخش فارا بوندومارتی، واحدهای انقلابی مسلح (فراک) کلمبیا، جنبش آزادی زنان بخش کردستان، اتحاد جوانان کردستان.

تحریم عراق، يك فاجعه انسانی!

می شود. من فکر می کنم، سازمان ملل متحد وضعیتی را به وجود آورده است که سوء تغذیه در عراق ادامه پیدا کند. تحریم از سال ۱۹۹۱ تا کنون منجر به کشته شدن ۵۰۰ هزار کودک در عراق شده است. و هر ماه نیز ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ کودک در اثر سوء تغذیه، کمبود آب آشامیدنی، اسهال و کمبود دارو کشته می شوند. و این همه در حالی است که سیستم بهداشتی عراق در سال های دهه ۸۰ از سوی «سازمان جهانی بهداشت»، به عنوان نمونه شناخته می شد. این کودکان نه در اثر بمباران، بلکه در اثر تحریم ها کشته شدند. ما همه متعهدیم که حداقل صدایمان را بلند کنیم تا این تحریم ها متوقف شوند.

سوال: آیا سازمان ملل متحد در عراق هنوز نقش مثبتی را ایفا می کند؟

دنيس هالیدی: استعفای من خود نشان می دهد که من بر این عقیده ام که نقش منفی بر نقش مثبت برتری دارد، با وجود آنکه سازمان بونیسف در آنجا کارهای خوبی را ارائه می دهد. ایالات متحده آمریکا و بریتانیا به خرابکاری در سازمان ملل ادامه می دهند و کشورهای عضو نیز بر طبق روح معاهده منشور که مصالح خلق ها را در نظر دارد، کار نمی کنند. شکی نیست که صدام حسین مقصر است، اما این به هیچ وجه متقاعد کننده نیست که سازمان ملل بر ضد مردم کشور او بیشتر از آنچه که خود او بر ضد آنان انجام داده است، انجام دهد. این غیر ممکن است که در صورت ادامه تحریم ها، اپوزیسیون بتواند قدر راست کند و رژیم را عوض کند. این امر خود عواقب سیاسی ناگواری را برای سال ها به همراه خواهد داشت. هم اکنون جوانان بسیار رادیکالیزه شده اند. خطر رشد بنیادگرایی نیز در حال افزایش است که می تواند برای تمامی منطقه و جهان خطر ناک باشد.

سوال: شما چه راه حلی را پیشنهاد می کنید؟

دنيس هالیدی: من از ایتالیا می آیم. در آنجا همه طرف های مذاکره ام را تشویق کردم تا از پیشنهادات فرانسه و شورای امنیت پشتیبانی کنند. همین قصد را در دیدار خود از انگلستان نیز دارم. هر چند که می دانم در آنجا مسئله با آقای «بلیر» دشوارتر خواهد بود. فرانسه با پیشنهاداتش نشان داده است که علت اصلی مسئله را در یافته است. لغو تحریم نفتی عراق، اولین قدم مهمی است که باید برداشته شود. اما به تنهایی برای سرمایه گذاری و بازسازی زیرساخت اقتصاد عراق کافی نخواهد بود. برای این کار به حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار احتیاج خواهد بود. من در صدد هستم به این امر یاری رسانم، تا فرانسه به عنوان پیشقراول گروهی از کشورها، از جهت مالی در راه بازسازی عراق کمک کند.

قسمت دوم پیشنهاد فرانسه نظارت بر تأسیسات نظامی عراق است که فکر می کنم عراق در برابر لغو تحریم با آن موافقت کند. در این راه، اما می باید نظارت، یک نظارت واقعی بین المللی باشد. هیأت بازرسی سازمان ملل متحد در عراق هم اکنون مرده است و «باتلر» (رئیس مأموران کنترل سازمان ملل) به آخر خط رسیده است. برای این منظور یک گروه کارشناسی همانند آژانس بین المللی برای انرژی اتمی که کار بسیار با ارزشی را انجام می دهد، ضروری است. تشکیل گروهی از کارشناسان مستقل که وفاداری آنان به سازمان ملل متحد به اثبات رسیده باشد و نه به سازمان سیا و یا سازمان های جاسوسی دیگر، ضروری است. من توصیه می کنم که این پیشنهاد نیز اضافه شود که باز پرداخت خسارات جنگی نیز تا زمانی که دیگر کودکان عراقی از گرسنگی نمیرند، به تعویق افتد. بیاد بیاورید که غرامت جنگی که دولت آلمان بر طبق قرارداد «ورسای» مجبور به پرداخت آن شد، خود یکی از علل به روی کار آمدن نازی ها بود. وضعیت در عراق نیز از این جهت قابل تشبیه است و پیامد های آن می تواند برای منطقه خطرناک باشد.

برگرفته از روزنامه «عصر ما»، ارگان حزب کمونیست آلمان

« ۳۴ سال مرا بر حذر داشتند که دهان بازکنم. ولی هم اکنون می خواهم آنچه را که فکر می کنم، بگویم. برقراری تحریم سازمان ملل متحد بر ضد عراق، نسل کشی در این کشور است و در این رابطه مفاد منشور سازمان ملل توسط آمریکا و انگلستان به خشن ترین شکل ممکن لگدمال می شود.»

اخیرا آقای «دنيس هالیدی» نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد که «کمک های انسان دوستانه» را هماهنگ می ساخت، به افشاگری پرداخته است و از جنایاتی که در اثر تحریم عراق توسط سازمان ملل متحد انجام می شود، پرده برداشته است. او در پایان سال گذشته از سمت خود استعفا داد و هم اکنون برای لغو این تحریم فعالیت می کند.

او فرزند بنیانگذار جنبش صلح خواهان ایرلند است. پس از تحصیلات در سال های ۶۰ میلادی، ابتدا در تهران و سپس در کشورهای آسیایی دیگر به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در امور توسعه به کار پرداخت. در سال های ۸۰ ارتقاء پیدا کرد و در دفاتر مختلف سازمان ملل متحد در نیویورک مشغول کار بود تا اینکه در سال ۱۹۹۴ به عنوان نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد در امور کمک های انسان دوستانه، و در اول سپتامبر ۱۹۹۸ به عنوان هماهنگ کننده کمک های انسان دوستانه برای عراق منصوب شد. در این رابطه او مسئول اجرای برنامه سازمان ملل پیرامون «نفت در برابر مواد غذایی» شد. پس از استعفا، چندی پیش او، برای مدتی در فرانسه بود و در این مدت با رهبری احزاب مختلف از جمله رهبری حزب کمونیست فرانسه مذاکره کرد. در ادامه، متن مصاحبه ئی را که روزنامه «اومانیتته» ارگان حزب کمونیست فرانسه با او انجام داده است، می خوانید:

سوال: چرا شما از مسئولیت خود که عملی کردن برنامه «نفت در برابر مواد غذایی» بود و شما فعالانه قصد پیش بردن آن را داشتید، استعفا دادید؟

دنيس هالیدی: برای اینکه به این نتیجه رسیدم که ادامه این تحریم به منزله شکلی از نسل کشی در این کشور است. این تحریم پس از جنگ طولانی مدت عراق بر ضد ایران تصویب شد. بیش از یک میلیون نفر در این جنگ کشته شدند و ساختار اقتصادی این کشور به شدت آسیب دید. پس از آن اشغال کویت و در پی آن بمباران های پیاپی اتفاق افتاد. بر خلاف معاهده ژنو که بمباران غیر نظامیان را ممنوع می سازد، هنوز اگر شما به بغداد یا بصره بروید، آثار بمباران های سال ۱۹۹۱ را می توانید مشاهده کنید. آنها کارخانه ها را بمباران کردند که هنوز هم در اثر تحریم نمی توانند بازسازی شوند. در عراق نه سرمایه گذاری صورت می گیرد، نه مواد خام و نه وسایل یدکی موجود است. من با نمایندگان سندیکاهای عراق که هم اکنون میلیون ها بیکار را نمایندگی می کنند ملاقات های مختلفی داشتم. آنها اظهار می داشتند: «سازمان ملل متحد بهتر است به جای آنکه تحریم را ادامه بدهد مارا بمباران کند، چرا که آن ما را تدریجاً می کشد و در دراز مدت تمامی مردم را.»

بر تأسیسات بهداشتی، مدارس، دانشگاه ها و تأسیسات ترافیک صدمات بسیاری وارد آمده است. ولی از همه بدتر شاید تخریب نیروگاه های برق، شبکه آب رسانی و سیستم کانال کشی کشور باشد. در عراق آب آشامیدنی موجود نیست و این خود هر روزه باعث مرگ کودکان بسیاری می شود.

ساختار خانواده در حال از هم پاشیدن است. کودکان به جای رفتن به مدرسه در خیابان ها به گدایی می پردازند. دختران جوان مجبور به خود فروشی شده اند تا به خانواده خود از جهت مالی کمک رسانند. زنان مجبور شده اند به آشپزخانه بازگردند و روشنفکران از کشور مهاجرت می کنند. پیش بینی ناجوانمردانه جرج بوش که می خواست عراق را به عصر حجر بازگرداند به واقعیت پیوسته است. ۳۰ درصد از کودکان زیر ۵ سال عراقی، یعنی از هر ۳ کودک یک کودک، از سوء تغذیه رنج می برد. این امر خود باعث به وجود آمدن بیماری های روان پریشی شده است که اگر به مرگ نینجامند، قابل درمان نیستند. تغذیه مردم عراق مطابق با تغذیه یک انسان عادی نیست. برنامه «نفت در برابر مواد غذایی» به مردم اجازه نمی دهد تا از لازم ترین پروتئین های حیوانی و ویتامین ها بر خوردار شوند. برای تغذیه ۲۲ میلیون نفر، سالانه ۷ تا ۶ میلیارد دلار ضروری است. حال آنکه برنامه فوق تنها اجازه کسب ۲/۵ تا ۳ میلیارد دلار را می دهد. ۴۰ درصد از این درآمد نیز صرف باز پس دهی خسارت جنگی به کویتی ها و همچنین هیأت سازمان ملل در عراق (UNSCOM)

27 April 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:556

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>